



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۱۰



رفعت حسینی

سفلگی در شعر پارسی

{ سفله گی } نیز از فصول کتاب ناخوشایند ادبیات مردمی پارسی می باشد.
بار بار پیش ازین نبشته بودم که شاعران [ردیل ادبی]، در شعر پارسی، سه گونه اند:

۱. برای زن ستیزی و بی معرفتی

۲. برای مدح ستمگرو بیداد

۳. با اندیشه های کهنسال پوسیده و هم آغشته به انواع خرافات
شعر پرداخته و ساخته بودند.

سردمداران این قماش از شاعران بی فرهنگ و نامتمدن، نامبردارن شعر کلاسیک [سعدی ،
عطار، خاقانی، فردوسی، بیدل، حافظ، سنایی و ووو] می باشند.

اشعاری که بر معاییر لندگری و رذالت سخنوران بوجود آمده اند، در دواوین آنان ثبت تاریخ
فرهنگ ناخجسته پارسی شده اند.

افزون بران، شاعران سفله نیز درین لسان موجود بوده و در < شکوه ! > ادبیات پارسی سهم داشته
اند.

در پایین به شماری از کارهای خلاقه هنری سخنوران سفله می پردازیم:

روزگار ار به کام ما نبود
ک... درک.... روزگار کنیم
؟

زیر دامن تو پنهان چیست ای نازک بدن
نقش سُم آهوی چین است یا برگِ خُتن
(ابوالعلا گنجوی)

بزیر دامن آن شوخ دیدم
دو انگشت از ید قدرت شده خم
(لاله)

کف پای بلورینت، اگر دست دعا گردد
ز محرابِ حَمِ رانت، چه حاجت ها روا گردد!
(مجموعه اصفهانی)

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

کمر از کوه برون آید و این لعبت شوخ
عجبم این همه کوه از کمر آورده برون
(صبحی)

چرسی بز نیم که جبریلش زده بود
موسی بکنار رود نیلش زده بود
؟

گر بگویند تو را با پسر غیر چه کار
مادرش را به زنی گیرم و گردم پدرش
(ایرج میرزا)